

معماران کوچک: آموزش معماری از آموزش سینه به سینه تا

آموزش شانه به شانه

عیسی حجت^۱

چکیده: یکی از پرسشهایی که در محافل حرفه‌ای و آموزشی معماری مطرح می‌شود این است که آیا معماری ذاتی یگانه و والا دارد که معماران برای رسیدن به آن می‌کوشند یا مسئله معماری به تعداد معماران پاسخ دارد؟ در این مقاله در باره وجود و عدم این ذات با رجوع به زمان بحث شده است. زمانی این ذات وجود داشته و معماری را با عالم قدسی مرتبط می‌کرده است، زمانی این ذات را پیشگامان معماری مدرن (معماران بزرگ) ابداع و پیشنهاد می‌کرده‌اند و امروزه، با عبور از دوران سنتی و مدرن و مرگ معماران بزرگ، این معماران کوچک هستند که بی هیچ الگویی در برابر، هر یک به شیوه‌ای طراحی می‌کنند و به روشی می‌سازند. در روزگار معماران کوچک (دوران کثرت‌گرایی پسامدرن) طراحی معماری، داوری معماری و در نهایت، آموزش معماری با این پرسشها مواجه می‌شوند: به کدام شیوه طراحی کنیم؟ معیار قضاوت در باره آثار معماری چیست؟ مدرسه معماری چه چیزی را باید آموزش دهد؟ استاد معماری در این عالم کیست و رابطه او با شاگردان چگونه است؟ شاگرد معماری در این عالم چه ویژگیها و چه نیازهایی دارد؟ نظام و محتوای آموزش در دوران پسامدرن چه می‌تواند باشد؟ مکان آموزش طراحی معماری به معماران کوچک کجاست؟ در پایان، پس از کاوش در پرسشهای یاد شده، رهیافتهایی برای آموزش طراحی به معماران کوچک پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: آموزش معماری، گوهر معماری، معماران بزرگ، معماران کوچک.

۱. عضو هیئت علمی دانشکده معماری دانشگاه تهران، تهران، ایران. isahojat@ut.ac.ir

(دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۲/۱۸)

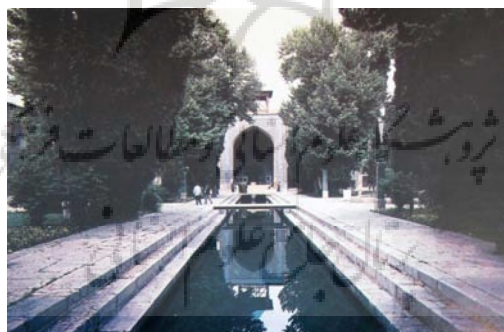
(پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۸/۲)

۱. مقدمه

پرسش از همگرایی یا واگرایی پاسخهای معماران به مسئله معماری

آیا برای هر مسئله معماری پاسخی یگانه وجود دارد که والاترین، کاراترین و زیباترین پاسخ است و معماران، هر یک به قدر شایستگی و اهلیت خویش به آن نزدیک می‌شوند یا هر مسئله معماری پاسخهای بی‌شماری دارد و هر معمار می‌تواند - و باید - پاسخ خویش را دریابد؟ آیا معماری الگویی ازلی، نمونه‌ای مثالی و گوهری یگانه دارد، همچون باغ بهشت برای معماری ایرانی یا اینکه به تعداد معماران می‌تواند الگوی معماری وجود داشته باشد؟ اگر معماری ذات و گوهری یگانه دارد، این گوهر چیست و در دستان کیست و در گرماگرم آموزش چگونه از استادی به شاگردی می‌رسد؟

اگر معماری ذات و گوهری یگانه ندارد، آیا هر خشتی که بر خشتی نشیند معماری دانسته می‌شود و در داد و ستد آموزش، استاد چه می‌دهد و شاگرد چه می‌ستاند؟ پاسخ به این پرسشها نیازمند تأمل در سه زمینه متفاوت شکل‌گیری اثر معماری است: عالم سنتی، عالم مدرن و عالم بعد از مدرن. در این مطالعه با توفقی کوتاه در هر یک از سه عالم یادشده، در باره طراحی معماری، داوری معماری و سرانجام، آموزش معماری کاوش و بررسی و در پهنه آموزش دگرگونگی نقش استاد معماری، شاگرد معماری، نظام و محتوای آموزش معماری و نیز مکان آموزش معماری در این سه عالم بیان شده است.



مادی فرشادی از شاخه‌های زاینده‌رود است که از میان مدرسه مادرشاه (چهارباغ) اصفهان می‌گذرد. طراحی حیاط این مدرسه علوم دینی به روشنی ملهم از تعبیر قرآنی «جنات تجری من تحتها الانهار» درباره بهشت است^[۱].

۱. تعبیر «جنات تجری من تحتها الانهار» در این آیات قرآنی آمده است:

بقره: ۲۶، آل عمران: ۱۶ و ۱۳۷ و ۱۹۶ و ۱۹۹، نساء: ۱۴ و ۵۸ و ۱۲۳، مائده: ۱۳ و ۸۶ و ۱۲۰، توبه: ۷۲ و ۸۹، ابراهیم: ۲۴، حج: ۱۵ و ۲۴، فرقان: ۱۱، محمد: ۱۳، فتح: ۶ و ۱۸، حدید: ۱۳، مجادله: ۲۳، صف: ۱۳، تغابن: ۱۰، طلاق: ۱۲، تحریم: ۹، بروج: ۱۲.

۲. گام اول: سیری در عوالم معماری، از سنتی تا پست‌مدرن

الف. عالم سنتی: معماری معمارپرو

معماری سنتی دست در آسمان و پای بر زمین دارد. از یک سو تجلی و تجسد و تنزیل مفاهیم والای قدسی^۱ [۲] و از سوی دیگر، تراکم تجربه انسانها در شکل دادن به سامانه زیستی خود است.

وجه قدسی معماری سنتی در کلام متفکران سنت‌گرا قابل پیگیری است. سیدحسین نصر [۳] امکان خلق معماری قدسی را چنین می‌داند: «از ویژگی وحدت‌گرای مذهب اسلام گرفته تا جنبه کیهانی این مذهب و سرشت قرآن در مقام «کلمه الله» که خطاب به فطرت انسان نازل شده است، از تقدس یافتن زمین توسط پیامبر اکرم از طریق نهادی کردن مناسک نماز گرفته تا علم باطنی هندسه و نسبت‌های مربوط به معماری و بسیاری عوامل دیگر، خلق معماری قدسی اسلامی را که یکی از اصلی‌ترین هنرهای اسلامی است، ممکن ساخته است.»

غلامرضا اعوانی [۴] نیز معماری سنتی را بروز و ظهور ذات خداوند در اثر معماری می‌پندارد: «یک معمار اسلامی می‌خواهد مسئله وحدت در کثرت و تجلی وحدت را تبیین کند و جلوه و ظهور احد را در کثرت به بهترین وجه نشان بدهد. برای او نحوه ظهور وحدت در کثرت و رجوع کثرت به وحدت که معنای توحید است، مهم‌ترین مسئله است ... اینکه خداوند چگونه از مرتبه ذات احدی، در مراتب اسماء و صفات در عالم بروز و ظهور کرده است. همین مسئله برای یک هنرمند مثلاً یک معمار هم وجود دارد.»

همچنین، سیدحسین نصر معماری سنتی را بازتابی از بعد الهی و کیهانی انسان دانسته است: «انسان اهل سنت در جهانی پرمعنا زندگی می‌کند. انسان، همچون کیهان، اصل الهی را باز می‌تاباند... معماری سنتی، به ویژه معبد به طور اعم و مسجد به طور اخص، تصویری است از کیهان یا انسان در بعد کیهانی او... مبنای شناخت و درک معماری سنتی اسلامی که اصول معماری قدسی را از مسجد تا هر واحد معماری دیگر و در نهایت، تا خود طراحی شهرک و شهر گسترش می‌دهد، رابطه بین کیهان، انسان به مفهوم سنتی حضرت آدم آسمانی و معماری است» [۵].

معماری سنت ساخته و پرداخته سلیقه یک به یک معماران نیست، بلکه همچون منظومه‌ای معنوی است که زنجیره‌ای از معماران فرهیخته در گذر زمان آن را سروده‌اند. در عالم سنتی این

۱. در این خصوص نگاه کنید به مرجع ۲، فصل دوم، گفتار دوم، بخش ۲: بررسی تطبیقی شیوه‌های سنتی و جدید آموزش معماری در ایران و نیز فصل سوم، گفتار اول، بخش ۱: چیستی حقیقت در دستگاه عبادی و دستگاه عقلانی و گفتار دوم، بخش ۱: چگونگی حضور اندیشه در دستاورد انسان عهد سنت و گفتار سوم، بخش ۱: چگونگی ظهور اندیشه معمار سنتی در اثر معماری.

۴۰ معماران کوچک: آموزش معماری از آموزش سینه به سینه تا آموزش شانه به شانه

معمار نیست که معماری را می‌سازد، بلکه این معماری است که معماران را می‌پرورد.



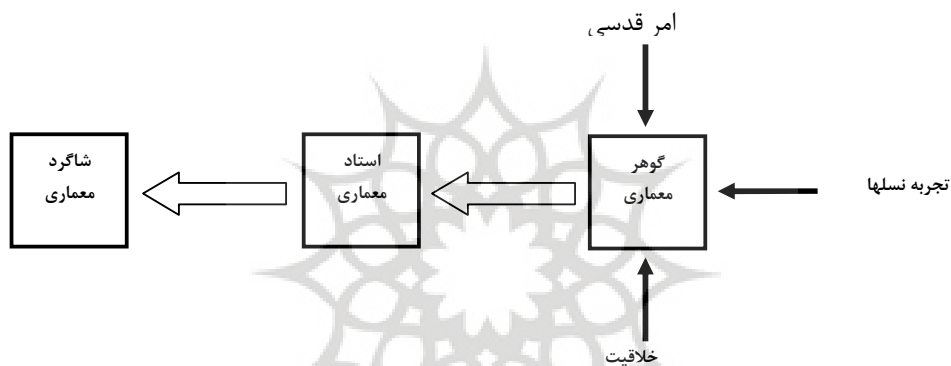
بناهای مذهبی ایران در دوهزاره اخیر، از بالا و از راست: آتشکده فیروزآباد، مسجد جامع ساوه [۶]، مسجد شاه اصفهان، مسجد و مدرسه آقابزرگ کاشان (عکس از مهدی ملکی). جریان ذات معماری ایرانی در این آثار قابل مشاهده است.

در عالم سنتی معماری مفهوم و جایگاهی والا دارد و هر کس به اندازه سعی و توانش می‌تواند از این دریای بیکران بهره‌مند شود.

در عالم سنتی معماری گوهری یگانه دارد که دستیابی به آن ممکن نیست، مگر با احراز شایستگی رفتاری (فتوت)، اهلیت کرداری (حرفه) و ظرفیت پنداری (خلاقیت).

گر بریزی بحر را در کوزه‌ای چند گنجد قسمت یک روزه‌ای^۱

در عالم سنتی استاد معماری کسی است که به گوهر قدسی معماری دست یافته باشد. استاد این گوهر را همچون ودیعه‌ای گران به شاگردانش عرضه می‌کند تا آنان نیز هر یک به قدر ظرفیت و اهلیت خویش سهمی از آن را دریابند^۲ [۷، ۸، ۹ و ۱۰].



نمودار ۱: رابطه استاد، شاگرد و گوهر معماری در عالم سنتی، طرح و ترسیم از نگارنده.

ب. عالم مدرن: روزگار معماران بزرگ
معماری مدرن محصول دوران مدرن است، دورانی که خرد انسان بر امر قدسی عصیان می‌کند، سنتهای پیشین را به کناری می‌نهد و خود دست به کار ساختن سنتهای مدرن می‌شود.
در این دوران، معماری دو تکیه‌گاه خود - امر قدسی و تجربه پیشینیان - را از دست می‌دهد^۳ [۱۱].
معماری مدرن بریده از سنت و تجربه گذشتگان و ساخته و پرداخته ذهن خلاق پیشگامان معماری مدرن است.

۱. مولوی، دفتر اول مثنوی: نی‌نامه.

۲. در این خصوص به رساله المختار من نوادر اخبار العمار رجوع کنید.

۳. بینش مدرن معماری را محصول خلق الساعه ذهن می‌داند که «از چند شاخه یک درخت کهن حاصل نشده، بلکه درختی است تازه که مستقیماً از ریشه روئیده باشد».

۴۲ معماران کوچک: آموزش معماری از آموزش سینه به سینه تا آموزش شانه به شانه

دوران مدرن را می‌توانیم «عصر معماران بزرگ» بنامیم؛ معمارانی که هر یک دریچه‌ای نو بر عالم معماری گشودند، آثاری بدیع آفریدند و هر یک گوهری از برای معماری ساختند؛ گوهری که این بار یگانه نبود، به امر قدسی اتصال نداشت، تجربه پیشینیان را نادیده می‌گرفت و بدعتی در عالم معماری بود.

در روزگار مدرن مدرسه‌های معماری گوهرهای دست‌ساز معماران بزرگ را به شاگردان عرضه می‌کردند: پلان آزاد^۱ نفی آرایگان و پیروی چهره از کارکرد درون^۲.
دوران مدرن دوران گوهرسازی معماران بزرگ و گوهرآموزی و گوهربازی معماران کوچک بود.



نمودار ۲: رابطه استاد، شاگرد و گوهر معماری در عالم مدرن، طرح و ترسیم از نگارنده

پ. عالم بعد از مدرن: مرگ معماران بزرگ، روزگار معماران کوچک
معماری پست‌مدرن محصول دوران بعد از مدرن است؛ دورانی که در آن مدرن‌باوری (مدرنیت) بر مدرن‌بودگی طغیان می‌کند و معماری مدرن را - که اکنون قوام و دوامی یافته بود - از سکه می‌اندازد و تاریخی می‌کند.

سنت‌ستیزی خصلت مدرنیت است؛ در این باور «هر آنچه سخت و استوار است، دود می‌شود و به هوا می‌رود»^۳ [۱۲]، حتی اگر شیوه معماری مدرن باشد. در این اندیشه «ها باید سرپیچی کنیم از آن چیزی که هستیم»^۴ [۱۳]، حتی اگر تربیت یافتگان مکتب معماری مدرن باشیم.

۱. این اصل و سایر اصول پنج‌گانه معماری مدرن از ابداعات شارل ادوارد زائره مشهور به لوکوربوزیه است. این اصول که با نام «پنج اصل یک معماری جدید» در نشریه اسپری‌نو و در سال ۱۹۲۳ در کتاب معروفش «به سوی یک معماری» منتشر شدند، عبارت‌اند از: «پیلوتی‌ها، پلان آزاد، پنجره‌های افقی، نمای آزاد و باغچه‌های بام»

۲. نخستین بار لوئیس هنری سالیوان، معمار آمریکایی در مارس ۱۸۹۶ و در مقاله «The Tall Office Building Artistically Considered» عبارت «form ever follows function» را مطرح کرد و پس از آن کوتاه شده این سخن «Form Follows Function» به یکی از شعارهای مهم معماری مدرن تبدیل شد.

۳. این عبارت ترجمه‌ای است از یکی از جملات پاراگراف ۱۸ بخش اول مانیفست کمونیست: بورژواها و پرولتارها. همین عبارت بعدها عنوان کتابی از مارشال برمن شد.

۴. این سخن از پل میشل فوکو است. وی بارها به شکل‌های گوناگون (اما همواره صریح) تأکید می‌کند که باید جور دیگری فکر کنیم، و نوع دیگری زندگی کنیم و تبدیل شویم به کسی که اکنون نیستیم.

در این دوران دیگر نه الگوهای معماری سنتی خریدار دارد و نه کارگفته‌های پیشگامان معماری مدرن. در جهان پسامدرن «الگو» و «پیشگام» معنا ندارد و هر کس به شیوه خودش و در راه خودش گام بر می‌دارد و پس و پیش بودن گام نیز دیگر تفاوتی ندارد.

در عالم پسامدرن نه تنها انگاره‌ها و شاکله‌های معماری سنتی به شکلی نابجا و طنزآلود به کار گرفته می‌شود، که اصول و باورهای معماری مدرن نیز نقد، تخریب و تکذیب می‌شوند. دیگر تزیینات جنایت نیست،^۱ شاید که یک ضرورت باشد. دیگر کمینه زیبا نیست^۲، شاید که کسالت‌آور باشد^۳ [۱۳]. دیگر خانه ماشین زندگی نیست،^۴ شاید که خانه باشد!^۵ و فرم که پیش از این تنها از کارکرد بنا پیروی می‌کرد، اکنون می‌تواند از هر چیزی در عالم پیروی کند.^۶



۱. نظریه‌ای است برگرفته از عنوان و محتوای مقاله "Ornament und Verbrechen" (تزیینات و جنایت) از آدولف لوس (Adolf Loos) معمار و نظریه‌پرداز اتریشی که آن را در سال ۱۹۰۸ تألیف کرد.
۲. نظریه‌ای است از برگرفته از جمله: "Less is more": «هر چه کمتر، بهتر» از لودویگ میس‌ون‌دررو (Ludwig Mies van der Rohe) معمار آلمانی.
۳. "Less is a bore" جمله‌ای است از رابرت ونتوری در کتاب «پیچیدگی و تضاد در معماری»، که وی آن را در برابر جمله مشهور "Less is more" میس‌ون‌دررو مطرح کرده است.
۴. اشاره دارد به جمله‌ای مشهور از لوکوربوزیه در کتاب معروفش "Towards an Architecture" (به سوی یک معماری جدید) که نخستین بار در سال ۱۹۲۳ منتشر شد: "The house is a machine for living in."
۵. "A house is a house" جمله‌ای است منسوب به لوئیس ایزیدور کان.
۶. و به تعبیری: "Form follows everything". پس از سولیوان معماران بسیاری در این باره اظهار نظر کرده‌اند، مانند جمله‌هایی که به معماران زیر منسوب است: "form accommodates function" از رابرت ونتوری، "form does not necessarily follow function" از آنتونیو گائودی و "Function influence but does not dictate form" از ارو سارینن.

۴۴ معماران کوچک: آموزش معماری از آموزش سینه به سینه تا آموزش شانه به شانه



لودویگ میس ون دررو در کنار ماکتی از تالار کراون از مجموعه ساختمانهای طراحی شده وی برای انستیتو تکنولوژی ایلینویز (IIT) شعار میس "Less is more" بود

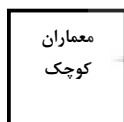


قسمتی از نمای میدان ایتالیا در نیو اورلئان آمریکا، اثر چارلز ویلارد مور با آبفشانهایی با طرح صورت خود وی. شعار مور این بود: "More is more"



لوکوربوزیه، صاحب نظریه «خانه، ماشینی برای زندگی است»، در کنار ماکتی از مشهورترین اثرش ویلا ساوا و عکسی از خانه وانا ونتوری اثر رابرت ونتوری که دارای تمام نمادهای تاریخی خانه در نما و ظاهر آن است.

معماری بعد از مدرن نه همچون معماری سنتی گوهری یگانه در آسمانها دارد و نه چون معماری مدرن پیشگامانی در زمین؛ معماری بعد از مدرن را «معماران کوچک» می‌سازند.



نمودار ۳: رابطه استاد، شاگرد و گوهر معماری در عالم بعد از مدرن، طرح و ترسیم از نگارنده.

در گامی دیگر چالشهای معماری و آموزش آن در عالم بعد از مدرن بررسی شده است.

۳. گام دوم: چالشهای معماری در عالم بعد از مدرن

گذر معماری از عالم مدرن به عالم بعد از مدرن پیشامدی نبود، همچون وانهادن شیوه‌ای و برگزیدن شیوه‌ای دیگر. چنین امری پیش از این نیز بارها تجربه شده بود. این گذر، گذر از باشیوگی به بی‌شیوگی، گذر از بامعیاری به بی‌معیاری و گذر از تعین به عدم تعین بود. پیش از این عالم سنتی و عالم مدرن هر یک به شکلی متکی بر بایدها و نبایدها و در پی دست یافتن به آرمانهایشان بودند، گاه در آسمان و گاه در زمین.

عالم پست‌مدرن عالم نابایدی و بی‌آرمانی است. در این عالم فراروایتها و ابرشیوه‌ها از برابر معماران برداشته می‌شود و معماری با چالشهایی رودررو می‌شود. این چالشها را در سه زمینه «طراحی معماری»، «داوری معماری» و «آموزش معماری» پی می‌گیریم.

۱. طراحی معماری در عالم بعد از مدرن: طراحی کوتاه‌مدت
طراحی معماری که پیش از این عملی به قاعده و متکی بر الگوهایی آن - یا این - جهانی بود، در عالم بعد از مدرن دچار بی‌قاعدگی و بی‌الگویی می‌شود، آن‌چنان که در این عالم نه تنها «هر کس با سلیقه خودش» طراحی می‌کند، که هر کس با سلیقه خودش در جنگ است تا مبادا آنچه امروز طراحی می‌کند، بر همان روال باشد که پیش از این طراحی کرده است^۱. به دو چالش مهم در این زمینه اشاره می‌کنیم:

الف. معماری بعد از مدرن و فقدان گوهر معماری
وظیفه معمار سنتی انطباق گوهر معماری با کارکرد و مکان معماری بود. در عالم سنتی گوهر معماری جایگاهی والاتر از مصادیق معماری داشت. معماران سنتی با ساختن بناهای گوناگون مصداقهایی از گوهر معماری را شکل می‌دادند. همچنان که خطاطان عالم سنتی شعری، حکایتی یا فرمانی را به خط نستعلیق خواندنی می‌کردند، معماران نیز مسجدی، خانه‌ای و بازاری را به صناعت معماری زیستنی می‌کردند. در عالم بعد از مدرن، گوهری برای معماری نیست تا مکانی و کارکردی را «معماری» کند.

ب. معماری بعد از مدرن و مرگ معماران بزرگ
در عالم مدرن هرچند که گوهری قدسی برای معماری باقی نمانده بود، ولی معماران بزرگ بودند که راه و رسم معماری کردن مکانها و کارکردها را نشان می‌دادند.
معماران عالم مدرن خواسته یا ناخواسته شاگردان و پیروان معماران بزرگ و پیشگامان معماری مدرن بودند. معماری عالم مدرن نیز معماری قانون‌مند و یکه‌ای بود که به تدریج تمام سرزمینهای جهان را تسخیر می‌کرد.

عالم بعد از مدرن هنگامه مرگ معماران بزرگ است. مرگ معماران بزرگ نه به معنای خالی شدن عالم از معمارانی هم‌ارز و هم‌سطح پیشگامان معماری مدرن، که بدان معناست که در عالم بعد از مدرن بزرگ و پیشگام معنا ندارد. در این عالم هیچ معماری موظف و مکلف به پیروی از سبک و شیوه معماری دیگری نیست.

عالم بعد از مدرن عالم معماران کوچک است. معمارانی که هر یک پیشگام و پیرو شیوه خویش هستند. در عالم پس از مدرن، در فقدان گوهر معماری و معماران بزرگ، هر عملی در طراحی مباح می‌شود. در این شرایط معماران کوچک راهکارهایی در پیش رو دارند که هیچ‌یک از اصالت، جامعیت و ثبات برخوردار نیستند، راهکارهایی از این دست:

۱. و به تعبیر پل میشل فوکو: «هرکس با اخلاق خودش» [۱۴].

- اقتباس از معمارانی که دیگر بزرگ نیستند، اما در پاره‌ای زمینه‌ها همچون فناوری، انرژی، رفتارشناسی و زیست محیط حرفهای تازه‌ای دارند.
- پیروی از گفتمانها، سبکها و شیوه‌هایی زودگذر که این بار نه توسط معماران که از سوی فیلسوف - معماران عصر پست‌مدرن مطرح می‌شود.
- اظهار بی‌نیازی و بی‌توجهی به معماران و شیوه‌های معماری که پیوسته به وسیله رسانه‌ها تولید و تبلیغ می‌شود و طراحی بر مبنای سلیقه شخصی.
- طراحی با توجه به خواست کارفرما و سلیقه بازار و بی‌توجهی به هر آنچه به عنوان اصالت، کیفیت، هویت و هنر معماری خوانده می‌شود.

۲. داوری معماری در عالم پس از مدرن: داوری داوران

در عالم سنتی اثر معماری به محک ذات معماری سنجیده می‌شود. هر اثری که به نمونه‌اعلی، ذات قدسی و الگوی باطنی معماری نزدیک‌تر باشد، نیک‌تر است.

آن معماری که ذات قدسی معماری را دریابد، هر چه بسازد پسندیده است و آن که این ذات را درنیابد، معمار نیست.

می‌توان گفت که داوری معماری گفتمان روزگار مدرن است. معماران بزرگ طرحهای معماران کوچک را داوری می‌کنند و در این راه اصول و مبانی معماری مدرن را معیار و محک خویش قرار می‌دهند. مسابقه معماری در عالم مدرن یکی از رایج‌ترین و کاراثرین روشهای دستیابی به آثار باارزش معماری بود، روزگاری که فراوانی معماران تحصیل کرده و تعدد موضوعات طراحی نیاز به شیوه‌ای برای گزینش ایده‌های برتر را طلب می‌کرد.

در روزگار کثرت‌گرا و بی‌معیار بعد از مدرن، مسابقه معماری و داوری معماری کارایی و وجاهت خویش را از کف می‌دهند. هر چند داوری و ارزیابی اثر معماری می‌تواند توسط کارشناسانی خبره و کارکشته در خصوص وجوه فنی و کاربردی آثار انجام شود، ولی ارزیابی وجه ارزشی و فرهنگی معماری در روزگار همترازی معماران و «بی‌ارزشی ارزشها» [۱۵] و حاکمیت سلیقه‌های شخصی کار ساده‌ای نخواهد بود. در داوری طرحها و مسابقه‌های معماری در عالم بعد از مدرن دو چالش عمده وجود دارد:

- کیستی داوران: در روزگار همترازی معماران، چه کسانی و به چه دلیل مجاز خواهند بود که درباره آثار دیگران داوری کنند؟
- چیستی معیار داوری: در روزگار بی‌معیاری، داوران با چه معیار و محکی طرحهای معماری را ارزیابی می‌کنند؟

۴۸ معماران کوچک: آموزش معماری از آموزش سینه به سینه تا آموزش شانه به شانه

امروزه، یکی از الزامات برگزاری مسابقه معماری اعلام اسامی داوران پیش از شروع مسابقه است. ابتدا شرکت‌کنندگان داوران را داوری می‌کنند و با شناخت آنان از شرکت در مسابقه پرهیز می‌کنند یا به سبب آشنایی با سلیقه و به امید کسب رضایت آنها دست به طراحی می‌زنند. در این دوران نه تنها داوران محکی برای داوری ندارند، که کارفرمایان نیز معیار روشنی برای انتخاب داور در برابرشان نیست، مگر معیارهای غیر حرفه‌ای.

۳. آموزش معماری در عالم بعد از مدرن: از آموزش سینه به سینه تا آموزش شانه به شانه
بیشترین آسیب از بی‌معماری عالم بعد از مدرن را مدرسه‌های معماری تحمل می‌کنند؛ آموزش آن چیزی که نمی‌دانی چیست، به شاگردی که نمی‌دانی کیست و آن گاه داوری دستاورد او با سنجش‌های که درستی و نادرستی آن روشن نیست. در ادامه به چالش‌های اصلی آموزش معماری در عالم بعد از مدرن می‌پردازیم.

- استاد معماری در عالم بعد از مدرن

استادی معماری در عالم سنت مقامی است که با سیر و سلوک در عالم معنا و داشتن قابلیت در حرفه و صنعت و کسب مقبولیت در میان مردم حاصل می‌شود.

استاد در عالم مدرن یا خود از معماران بزرگ (پیشگامان) است یا آرا و اندیشه‌های معماران بزرگ را آموزش می‌دهد. در عالم مدرن اصول محکم و خدشه‌ناپذیر معماری مدرن در بیشتر مدارس معماری جهان - توسط استادان - به شاگردان آموخته می‌شد؛ آموزشی که محصول آن یکسان بودن آثار معماری در بیشتر نقاط جهان بوده.

در جهان بعد از مدرن استاد و شاگرد به مثابه دو صاحب اندیشه در برابر هم قرار می‌گیرند، بحث و جدل می‌کنند و هیچ الزام و ملاکی برای پذیرش نظر یکی توسط دیگری وجود ندارد. رسانه فاصله میان حجم دانش استاد و شاگرد را به حداقل رسانده است. بی‌شیوگی بعد از مدرن شاگرد را از پذیرش بی‌چون و چرای شیوه معماری مورد نظر استاد معاف کرده است. گزینش علمی متکی بر مدرک و نمره استاد به شاگرد، رابطه تبعیدی و معنوی آنان را به رابطه‌ای صرفاً اداری و وظیفه‌ای بدل کرده است. در این شرایط مدرسه معماری همچون مؤسسه‌ای برای اخذ واحدهای درسی برای شاگردان درآمده است و دیگر نشانی از رابطه زیبای استاد و شاگرد در این مدرسه مشاهده نمی‌شود.

• شاگرد معماری در عالم بعد از مدرن

رابطه شاگرد و استاد در عالم سنتی رابطه مرید و مراد است. شاگرد با اطمینان و سرسپردگی به استاد، اندیشه و عمل خود را به او می‌سپارد تا آن چنان که باید و شاید آن را پرورش دهد: «پیر ما هر چه کند عین عنایت باشد» [۱۵].

اما در عالم مدرن شاگرد آمده است تا چگونه اندیشیدن و چگونه عمل کردن را از استاد بیاموزد. رابطه استاد و شاگرد در دوران مدرن رابطه عالم و متعلم (دانش‌آموز) است. استاد از اندیشه‌ها، قاعده‌ها، آموزه‌ها، آثار و شیوه‌هایی آگاه است که شاگرد در طلب آنها به مدرسه آمده است.

در جهان بعد از مدرن - که با توسعه زیاد ارتباطات و شبکه‌های جهانی رسانه نیز همراه است - دانش و دانسته‌ای نیست که از ذهن کنجکاو شاگرد پنهان بماند. سبک و شیوه‌ای نیست که شاگرد از وجود آن بی‌خبر باشد. استاد و شاگرد که اینک هر دو از معماران کوچک هستند - یکی با تجربه بیشتر و دیگری با تجربه کمتر - رو در رو و شانه به شانه هم طراحی را تجربه می‌کنند.

شاگرد در عالم پست‌مدرن نه مرید استاد است، همچون عالم سنتی و نه پذیرای بی‌قید و شرط نظر استاد، همچون عالم مدرن. شاگرد در این عالم دانشجویی عصیانگر است که به سادگی تسلیم عقاید و آرای استاد نمی‌شود و تعامل با او نیازمند راه و رسمی نو و اندیشیده است.

• نظام و محتوای آموزش معماری در عالم بعد از مدرن

در عالم بعد از مدرن بجز درسهایی که جنبه قطعی و اثباتی دارد - همچون دروس تاریخ و فنی - که مورد بحث این مقاله نیست، آنچه بین استاد و شاگرد مبادله می‌شود نه از جنس ذات و گوهر معماری است و نه از سنخ قوانین و منشورهای عصر مدرن.

در عالم سنت شاگرد با نگاه کردن به دست استاد و حین عمل حرفه‌ای می‌آموخت و در روزگار مدرن واژه کرکسیون^۱ (تصحیح) رابطه استاد و شاگرد را تعریف می‌کرد. واژه کرکسیون بدین معنا بود که هنوز تصویر و تصویری از راه صحیح معماری کردن وجود دارد و استاد انحراف شاگردان از این راه را پیوسته کنترل و تصحیح می‌کند. بودن راه صحیح معماری کردن باعث می‌شد که استاد گاه بخشی از وظیفه خود را که کرکسیون (تصحیح) کار شاگردان بود، به شاگردان سالهای بالاتر واگذار کند، چراکه آنان نیز همان چیزی را می‌گفتند که استاد می‌خواست بگوید. استاد نیز عموماً همان چیزی را می‌گفت که در مدارس مادر^۲ گفته می‌شد.

1. Correction

۱. از ابتدای آموزش آکادمیک معماری، مدرسه عالی ملی هنرهای زیبای پاریس (بوزار) سالها مدرسه مادر آموزش معماری در ایران و بسیاری از کشورهای جهان بود. این وضعیت در ایران تا حدود سال ۱۳۴۶ خورشیدی ادامه داشت و پس از آن به روشهای آموزشی مدرسه آلمانی باهاوس و روشهای آموزش معماری در دیگر کشورهای اروپایی همچون ایتالیا و انگلستان توجه بیشتری می‌شد.

۵۰ معماران کوچک: آموزش معماری از آموزش سینه به سینه تا آموزش شانه به شانه

در عالم بعد از مدرن نبودن محتوایی معین و تعریف شده برای آموزش، نظام آموزشی و رابطه استاد و شاگرد را در حالتی از تعلیق قرار داده است، آن چنان که به تعداد استادان و به اندازه کلاسهایی که در مدرسه‌های معماری تشکیل می‌شود، نظام آموزشی معماری وجود دارد. این مسئله هر چند که ممکن است به پویایی محیطهای آموزشی کمک کند، ولی امکان دستیابی به یک گفتمان واحد در معماری را کم‌رنگ می‌کند.

• مکان آموزش معماری در دوران بعد از مدرن

در آموزش معماری دوران سنتی مکان آموزش مکان ساخت اثر معماری است؛ آموزش معماری خارج از مکان ساخت بنا معنا و مفهومی ندارد. مهارت و حکمت معماری حین ساخت و در پای کار به شاگرد عرضه و آموخته می‌شود.

در عالم مدرن آموزش طراحی معماری به دور از مکان ساخت و حتی به دور از امکان ساخت در آتلیه‌ها و به شکلی مجازی و تجریدی انجام می‌شود. دیگر طرحی در حال اجرا و بنایی در حال ساخت نیست که شاگرد از آن معماری بیاموزد. آتلیه محل طراحی موضوعات فرضی در مکان فرضی و برای کارفرمای فرضی است. خشت و گل جای خود را به قلم و کاغذ داده است و طرحها روی میز آتلیه تولید، ارائه و داوری می‌شوند.

توانایی پرداخت طرح^۱ جای توانایی ساخت آن را می‌گیرد. آتلیه محلی است که یک یا چند مربی به جمعی از شاگردان رو در رو معماری را آموزش می‌دهد.

در عالم بعد از مدرن نه از آموزش پای کار نشانی است و نه از آتلیه‌ای که در آن اصول و قوانین معماری مبادله شود. در روزگار بعد از مدرن - بدان سبب که گفتمان فراگیری در معماری وجود ندارد - مکان آموزش معماری به جلسه تبادل نظر استاد با یکایک شاگردان بدل شده است که در هر فضای بزرگ و کوچکی می‌تواند تشکیل شود.

امروزه، در کشور ایران که تعداد مدرسه‌های معماری و تعداد پذیرفته‌شدگان به سرعت رو به افزایش است، آموزش معماری نه تنها در اطاقها و راهروهای ساختمانهای مسکونی استیجاری که گاه به صورت غیرحضور و از طریق پست الکترونیکی نیز انجام می‌شود. این امر ممکن است در ظاهر نشان دهنده پیشرفت و استفاده از فناوری جدید در آموزش معماری باشد، ولی در واقع، نشان دهنده پاشیدگی گفتمان معماری و شخصی شدن آموزش آن در کشور ایران است.

چهار بنیان آموزش معماری در سه دوران سنتی، مدرن و بعد از مدرن، طرح و ترسیم از نگارنده.

دوران	استاد	شاگرد	نظام و محتوا	مکان آموزش
سنتی	مراد	مرید	آموزش ساختن - گوهر معماری	پای کار
مدرن	معمار بزرگ	دانش آموز	آموزش طراحی - اصول و مبانی	آتلیه (کارگاه)
پس از مدرن	معمار کوچک*	دانشجو	آموزش طراحی - پراکنده و شخصی	هر کجا

* منظور از معمار کوچک معماری است که به گفت‌وگوهای جامع، بزرگ و فراگیر معماری متصل نیست.

۴. گام سوم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه، در نبود گفت‌وگویی فراگیر در هنر و معماری - خواه سنتی و خواه مدرن - مدرسه‌های معماری سرگرم آموزش معمارانی خودبسنده هستند. این معماران ذات معماری را و سبک و شیوه معماری را و اتصال و انفصال آن با عالم قدسی و جهان مادی را خود اراده و انتخاب می‌کنند، دست به طراحی می‌زنند و شهر هزار داماد امروز را شکل می‌دهند.

امروزه، معماری من جای معماری ما را گرفته است و امروز روز معماران کوچک است. در این قسمت از مقاله رهیافت‌هایی در آموزش معماری و تربیت معماران کوچک در معرض داوری صاحب‌نظران قرار می‌گیرد:

الف. معماران کوچک، بیش از آموزش نیاز به پرورش دارند.

امروزه، بخش فراوانی از دانش‌های مورد نیاز شاگرد معماری - که در گذشته از استاد طلب می‌شد - از راه رسانه و رایانه در اختیار او قرار می‌گیرد. آنچه شاگردان امروزی نیاز دارند، توانش و تربیت معمارانه است. مدرسه معماری باید توان خود را صرف پرورش اندیشه و ارتقای قدرت درک و تجزیه و تحلیل شاگردانش کند [۱۶].

در روزگار نبود فراروایتها، کیفیت مطلوب معماری را باید در درون یکایک معماران جست‌وجو کرد. هر اندازه که برای تربیت معماران کوچک بیشتر سرمایه‌گذاری شود، امید به ارتقای کیفیت معماری بیشتر می‌شود.

ب. معماران کوچک، سؤالهای بزرگ دارند.

بر خلاف زمانهای گذشته که آموزش اصول و احکام معماری تعبدی (دوران سنتی) و تحکمی (دوران مدرن) بود، شاگرد امروزی پذیرای بی‌چون و چرای حکم و قاعده‌ای نیست. گاه اصرار بر پذیرش اصول موجب رویگردانی شاگردان می‌شود.

۵۲ معماران کوچک: آموزش معماری از آموزش سینه به سینه تا آموزش شانه به شانه

آموزش باید پاسخگوی پرسشهای فراوانی باشد که معمار جوان امروزی در ارتباط با معماری آیینی، معماری سرزمینی، معماری جهانی، معماری سنتی و ... دارد. جلسه‌های فراوان بحث و مجادله از ضرورت‌های آموزش معماری به معماران کوچک است.

پ. معماران کوچک نیاز به همراهی دارند.

راه پسامدرن یکه و هموار نیست و هزار راهی صعب و سنگلاخ است که در آن هیچ صراطی مستقیم نیست. معمار کوچک در این راه انحرافها و انصرافها در برابر دارد. بسیاری از شاگردان در این راه مجذوب معماریهای سطحی، نمایشی و پوچ‌گرای بیگانه می‌شوند و پاره‌ای نیز در هزارتوی شیوه‌ها و اندیشه‌ها درمانده می‌شوند و راه انصراف در پیش می‌گیرند.

مدرسه معماری باید در مسیر آموزش پیوسته شاگرد را همراهی کند و بر سر دوراهیها راه صواب و ناصواب را به او نشان دهد تا شاگرد خود بتواند از میان راههای فراوان راه صلاح را بیابد. ت. معماران کوچک آرمانهای بزرگ دارند.

کوچکی معماران امروزی از آن روست که روزگار کثرت‌گرای بعد از مدرن، بزرگی را باور ندارد. امروزه، هر معمار کوچک می‌تواند با معماران بزرگ پیشین همسنگی کند. آموزش نباید کوچکی معماران امروز را موجب کوچک شمردن آنان بداند.

در گذشته استاد منش و شیوه خود را به شاگردان عرضه می‌کرد و بر آن بود تا همه را همانند خودش کند. امروزه، آموزش باید به‌گونه‌ای باشد که به منش و شخصیت یکایک شاگردان احترام گذاشته شود، استعدادهای آنان کشف و آشکار شود و آرمانهای هر یک از آنها شناخته و شکوفا شود [۱۶].

در عالم بی‌مختصات امروزی هدف این نیست که شاگرد تالی استاد شود، چرا که استاد خود نمی‌داند که تالی کیست. اگر در آموزش به آرمانهای بزرگ معماران کوچک ارج نهاده شود، هر یک می‌توانند در آینده استادی باشند.

مراجع

۱. حاجی‌قاسمی، کامبیز (۱۳۷۹)، سایت گنجنامه، دفتر پنجم: مدارس، تهران: مرکز اسناد و تحقیقات دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی.
۲. حجت، عیسی (۱۳۹۱)، *سنت و بدعت در آموزش معماری*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۳. نصر، سید حسین (۱۳۷۵)، *هنر و معنویت اسلامی*، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران: دفتر مطالعات دینی هنر (انتشارات سوره).
۴. اعوانی، غلامرضا (۱۳۷۵)، *حکمت و هنر معنوی (مجموعه مقالات)*، تهران: انتشارات گروس.
۵. اردلان، نادر و بختیار، لاله (۱۳۸۰)، *حس وحدت، حمید شاهرخ، اصفهان: نشر خاک.*

6. Schmidt, E. F. (1940), *Flights over ancient cities of Iran*, Chicago, the University of Chicago Press.
۷. ندیمی، هادی (۱۳۷۵)، آئین جوانمردان و طریقت معماران (سیری در فتوت‌نامه‌های معماران و بنایان و حرف وابسته صفه، سال ششم، شماره‌های ۲۱ و ۲۲، بهار و تابستان، صص. ۲۱-۶.
۸. سعیدالشیخلی صباح، ابراهیم (۱۳۶۲)، *اصناف در عصر عباسی*، ترجمه هادی عالم‌زاده، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۹. حاجیان، محمدرضا (۱۳۷۶)، شیوه‌های سنتی آموزش معماری، معماری و شهرسازی، شماره ۳۸ و ۳۹، صص. ۷۴-۷۷.
۱۰. حسن، احمد یوسف و هیل، دانالد، (۱۳۷۵)، *تاریخ مصور تکنولوژی اسلامی*، ترجمه نادر موققیان، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، صص. ۵-۳۵۱، نقش مهندسان و معماران.
11. Wilson, Colin St John (1986), *The historical sense, Architectural Review*.
۱۲. مارکس، کارل و انگلس، فردریک (۱۳۸۸)، *مانیفست کمونیست*، ترجمه مسعود صابری، تهران: طلایه پرسو.
۱۳. ونتوری، رابرت (بی‌تا)، *بیچیدگی و تضاد در معماری*، ترجمه محمود بشارتی‌راد و واهان پزشکیان، تهران.
۱۴. احمدی، بابک (۱۳۷۷)، *معماری مدرنیته*، تهران: نشر مرکز.
۱۵. ونتوری، رابرت (بی‌تا)، *بیچیدگی و تضاد در معماری*، ترجمه محمود بشارتی‌راد و واهان پزشکیان، تهران.
۱۶. حجت، عیسی (۱۳۸۲)، آموزش معماری و بی‌ارزشی ارزشها، هنرهای زیبا، شماره ۱۴، تابستان.
۱۷. حجت، عیسی (۱۳۸۹)، *مشق معماری*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.